



یادداشت

گرانی مجدد بنزین در راه است

مراد رضایی



هنوز خون‌های ریخته در آبان‌ماه ۹۸ بر زمین است. هنوز تعداد زیادی از معترضان به افزایش به یکباره‌ی قیمت بنزین در زندان هستند و هنوز جوانانی در چهار سوی کشور، زیر حکم اعدام به جرم شرکت در آن اعتراضات! در این میان اما، هنوز هیچ‌یک از مقامات جمهوری اسلامی، حاضر نشده و یا جرات نکرده است مسئولیت افزایش سه برابری قیمت بنزین را گردن بگیرد. پیشتر حسن روحانی مدعی شده بود خبر افزایش قیمت بنزین را صبح جمعه بعد از اعلام آن شنیده است! اما حالا، در آخرین سال ریاست جمهوری او، کم‌کم یخ دروغ‌های او توسط دیگر نهادهای حکومتی آب می‌شوند. دروغ‌هایی که البته حتی هنگام بیان‌شان، کسی از مردم باورشان نکرده بود. پیشتر علی لاریجانی، رئیس سابق مجلس، رئیسی، رئیس فعلی قوه‌ی قضاییه، و جمال عرف، معاون وزیر کشور، ادعای روحانی در مورد زمان اطلاع از افزایش قیمت بنزین را تکذیب کرده بودند. اما حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور، ضربه‌ی آخر را به ادعای روحانی وارد کرد. او صراحتاً گفته است «تمام کسانی که روز جمعه می‌گفتند ما نمی‌دانستیم و روز جمعه متوجه شدیم، اینها سندهایی است که مواضع دوستان و مسئولان محترم و عزیز است که اگر لازم شد یک روزی سر جایش می‌توان گفت که کی و چه ساعتی و فلان مجموعه توسط فلانی در جریان قرار گرفته‌اند.»

هرچند راست و دروغ روحانی، توفیری در فاجعه‌ای که رخ داده ایجاد نمی‌کند. به هر حال روحانی یا اطلاع داشته است که دروغ‌گو است و یا بی‌اطلاع بوده است که در این صورت اولاً باقی مدعیان دروغ‌گو هستند و دوماً این نشانه‌ای دیگر بر عدم صلاحیت اوست!

این تنها قسمت غیر شفاف افزایش قیمت بنزین در سال گذشته نیست. منابع غیر رسمی تعداد کشته‌شدگان اعتراضات به افزایش قیمت بنزین را بیش از ۱۵۰۰ نفر مطرح می‌کنند. در عین حال سازمان عفو بین‌الملل، لیستی ۳۰۴ نفری



از نام و محل کشته شدن جان باختگان منتشر کرده است. رحمانی فضلای، وزیر کشور دولت روحانی هم این تعداد را «بین ۲۰۰ تا ۲۲۵ نفر» عنوان کرده است. اما به فرض صحت آمار او، خبری از اینکه قاتلان این افراد چه کسانی بوده‌اند و آمران این کشتار چه کسانی هستند، منتشر نشده است. قاتلان جوانان معترض، آزادند و معترضین به کشتار، به زندان‌های طولانی مدت و اعدام محکوم شده‌اند.

با این وجود، مجدداً قصد دارند کاسه‌ی خالی دولت را با افزایش قیمت بنزین پر کنند. در همین راستا، مجلس مستقر طرح سهمیه‌بندی بنزین را ارائه کرده است. بر اساس این طرح که به امضای ۳۶ نماینده مجلس رسیده، دولت موظف می‌شود به هر ایرانی دارای کد ملی به‌جز ساکنین خارج کشور معادل ۳۰ لیتر بنزین به قیمت سال ۱۳۹۷ (هر لیتر هزار تومان) برای استفاده از بنزین به طور ماهانه به کارت ملی یا بانکی سرپرست خانوار اختصاص دهد. مازاد مصرف بنزین، به قیمت بنزین فوب خلیج فارس و به صورت شناور خواهد بود. برای مثال این رقم همین امروز با فرض دلار ۲۴ هزار تومانی و قیمت بنزین ۴۰ سنتی، ۹۶۰۰ تومان خواهد بود!

این طرح البته توسط طراحان مجلسی‌اش، و برای جلوگیری از بروز اعتراضات، یک «تزیین» هم دارد و آن اینکه ماهانه سی لیتر بنزین به هر فرد اختصاص می‌یابد و کسانی که خودرو ندارند و یا کمتر بنزین مصرف می‌کنند، می‌توانند در آخر ماه بنزین مازاد خود را بفروشند. این تزیین البته قطع به یقین در مراحل بررسی طرح تغییر و تعدیلاتی خواهد یافت.

اما مساله‌ی اصلی، چنانکه در آبان‌ماه ۹۸ هم مطرح بود، تاثیر افزایش قیمت بنزین بر تورم است. این تاثیر طبیعتاً با به راه افتادن بازار بنزین آزاد بیشتر هم خواهد شد. درآمد محدودی که طبقات فرودست با فروش بنزین به دست خواهند آورد، چنان بر نان و برنج و نمک و روغن تاثیر خواهد گذاشت، که ارزش واقعی آن پول چیزی شبیه ۴۵ هزار تومان‌های احمدی‌نژادی بشود!

اما هدف مجلس از ارائه‌ی این طرح، با وجود حساسیت‌های اجتماعی نسبت به بنزین، مشخص است. هدف دولت از اجرای طرح «گشایش اقتصادی» یا همان، فروش نفت به مردم، پر کردن کسری بودجه بود. حسن روحانی این هفته صراحتاً در این مورد گفته است «آن چیزی که در ذهن ما بود این بود که بیاییم علیرغم تحریم نفت، نفت را در بازار بفروشیم به قیمت روز با قیمتی که الان فرض کنید اوپک دارد ۴۰ دلار بیشتر یا کمتر با ریال هم بفروشیم بر مبنای نیما بفروشیم ولی این نفت را دو سال دیگر عرضه کنیم به آن کسی که امروز خریدار هست. این می‌توانست خیلی مفید باشد یعنی مشکل امروز ریال ما را حل می‌کرد، بودجه ما را حل می‌کرد، کسری بودجه ما را به بهترین شکل، البته الان هم اوراق می‌فروشیم راه‌های دیگر داریم این نشود اینطور نیست که بن بست باشد ولی این بهتر از اوراق بود اگر این کار را می‌کردیم از اوراق بهتر بود.»

اما طرح گشایش اقتصادی، که قرار بود حتی پس‌اندازهای خرد مردم را به کام دولت بریزد، به دلیلی حکومتی فعلاً معلق و منتفی است. دلیل تعلیق این طرح البته اکیداً ضررهای مردم از اجرای آن نیست. بلکه مجلس و اقتصاددانان اصول‌گرا به جمع‌بندی رسیده‌اند که پول فروش نفت به مردم، به جیب دولت روحانی خواهد رفت، درحالی‌که هزینه‌های آن را باید دولت آتی بپردازد. در واقع دعوای جناحی بسیار موثرتر از خطر ضرر اقتصادی عمده‌ی مردم عمل کرده است و آن طرح فعلاً تعطیل است.

اعتراضات به سقوط آزاد بورس، و توقف واگذاری‌های بورسی را نیز باید به دلایل استیصال اقتصادی دولت، و دست‌بردن دوباره به قیمت بنزین افزود. هم دولت و هم مجلس می‌دانند که افزایش مجدد قیمت بنزین با اعتراضات گسترده همراه خواهد بود. اما ظاهراً بیچارگی اقتصادی دولت، راه دیگری را پیش پای دولت نگذاشته است.

به سرکوب سندیکاهای کارگری پایان دهید!



نکاتی پیرامون کشته شدن دو کارگر در معدن متعلق به "آستان قدس!"

صادق کار



در پنجم شهریور ۲ کارگر معدنچی در اثر انفجاری که در "معدن آقدربند" بوقوع پیوست کشته شدند. بررسی علت انفجار که بعد از حادثه صورت گرفت نشان داد که علت آن به گفته خود رئیس صمت و معدن سرخس رعایت نکردن نکات ایمنی در معدن بوده است.

"علی اکبر اکبری" رئیس اداره صمت شهرستان سرخس در گفتگویی که بعد از کشته شدن این دو کارگر با رسانه‌ها انجام داد، علت انفجار را سوءمدیریت داخلی معدن، سهل انگاری، عدم انجام عملیات گازسنجی و انفجار گاز در حفره پشت سینه کار اعلام کرده است.

به گفته مدیر صمت و معدن سرخس علاوه بر موارد ذکر شده در بالا "معدن آقدربند فاقد تشکیلات امداد و نجات و ایمنی بوده است. عدم توجه بهره‌بردار به اختاریه‌های سازمان جهت اجرای سیستم تهویه مصنوعی، تجهیز کردن معدن به وسایل گازسنج مناسب، کپسول‌های خودنجات و تجهیزات امداد و نجات، آمبولانس و تجهیزات آتش‌نشانی از مواردی هستند که باعث ایجاد این حادثه شده‌اند". افزون بر اینها مسئول ایمنی نیز در معدن نبوده است!

یعنی در واقع در این معدن که خطرات زیادی در کمین معدنچیان بوده‌اند، مالک معدن نه هیچ یک از ضوابط ایمنی را رعایت کرده است و نه آنطور که مدیر صمت و معدن شهرستان سرخس گفته است وقتی به درخواستهای مسئولین ذیربط برای رعایت ضوابط ایمنی نهاده است.



رئیس صنعت و معدن به نظر می رسد با نشانه رفتن انگشت اتهام بسوی سهامداران معدن خواسته است خودش و مسئولین دولتی را تبرئه و همه تقصیر را به گردن سهامداران معدن بیندازد. البته نکاتی که او در مورد رعایت نکردن ضوابط ایمنی که منجر به کشته شدن دو معدنچی بی گناه شده نمی تواند نادرست بوده باشد. ولی او خودش نیز حداقل به همان اندازه سهامداران در کشته شدن و یا در واقع قتل دو کارگر سهم داشته است. علت اش هم این است که او با وجود مطلع بودن از وضعیت نا امن و خطرناک معدن بایستی یا معدن را تعطیل و یا مالک را وادار به رعایت نکات ایمنی در معدن می کرد ولی این کار را نکرده است. حالا پس از این حادثه گفتن این حرفها برای خانواده های کارگران که نان آورشان را در جهنم انفجار به نحو فجیعی از دست داده اند حکم نوشداروی پس از مرگ سهراب را دارد! اما این حادثه مقصر های دیگری هم دارد. دولت و وزارت کار. آری آنها حتی می شود گفت مقصر اصلی هستند چون شرایط فرمانروایی بی قانونی در محل های کار که محل های کار را به قتلگاه کارگران تبدیل نموده را آنها فراهم کرده اند. جالب اینکه تازه بعد از این انفجار معلوم شده است که "آستان قدس رضوی" از سهامداران این معدن است و دستمزدهای کارگران معدن ۹ ماه است که به آنها پرداخت نشده است. حالا تصورش را بکنید وقتی که مدیران موسسات متعلق به "آستان قدس" که ادعای تقدس و درستکاری دارند دستمزدهای کارگران شان ۹ ماه نمی دهند و به امنیت جانی آنها اهمیت نمی دهند، وای به حال بقیه!

"حیدر جهانی" دادستان سرخس نیز که بعد از این حادثه مجبور به ورود به قضیه شده، در نخستین اظهار نظری که نموده هیچ اشاره ای به مجازات قضایی کارفرمای خاطی و قانون شکن که این حادثه را رقم زده و باعث کشته شدن دو کارگر شده نموده است. او بدون اشاره به مجازات کارفرما، و چگونگی فعالیت معدن بعد از این حادثه تنها از کارفرما بخاطر دستمزدهای معوقه انتقاد کرده و گویا باعث شده تا کارفرما مرحمت فرموده یک ماه از دستمزد ۹ ماهه پرداخت نشده کارگران را به آنها پرداخت کند و دوماه دیگر را نیز تعهد داده که بعدا پرداخت نماید! به نظر می رسد که قصد جناب دادستان از ورود به موضوع بهم آوردن سر و ته قضیه به نفع کارفرما باشد. بخصوص اینکه این بار حادثه در معدنی صورت گرفته که سلطان و فرمانروای خراسان "آستان مقدس قدس رضوی" جز سهامداران آن است! زیرا که به دشواری میشود مسئولی را در خراسان سراغ داشت که حتی اگر نمک پرورده آستان هم نباشد جرات کند پا در کفش تولید آن کند!

در سال گذشته مطابق آمار پزشکی قانونی حدود ۲۰۰۰ کارگر در اثر حوادث کاری جان شان را از دست داده و چند برابر آن نیز فلج و یا دچار قطع عضو شده اند. طبق داده های رسمی آمار قربانیان کار سال به سال بیشتر شده است. طبق اظهارات کارشناسان علل اکثریت قریب به اتفاق حوادث کار، عدم رعایت ضوابط و مقررات ایمنی در کارگاه ها توسط کارفرما بوده است. مقررات زدایی از محیط های کار، نبود تشکل کارگری و نظارت قانونی ادارات کار و سهل گیری دولت و دستگاه قضایی نسبت به کارفرمایان خاطی مجموعا در افزایش این حوادث نقش بزرگی داشته و دارند. شمار کسانی که در اثر رعایت نکردن مسائل بهداشتی توسط کارفرمایان در محل های کار بتدریج دچار بیماری ها خطرناک و کشنده می شوند و یا طول عمر شان کاهش پیدا میکند چندین برابر کسانی است که جان شان را در اثر حوادث شغلی از دست می دهند. با این اوصاف از آنجایی که در ایران اساسا دولت و کارفرمایان اهمیت چندانی برای جان، سلامت، رفاه و حقوق کارگر قائل نیستند، اقدامی برای پیشگیری و کاهش حوادث شغلی نمی کنند. بخصوص کارفرمایان بخش خصوصی رفتارشان در این خصوص بدتر از مدیران دولتی است. افزون بر این مسائل فشارهای روحی، معیشتی و دشوارتر شدن پیوسته شرایط کاری کارگران و مسائلی مانند دستمزد های ناچیز، نداشتن امنیت شغلی و غیره نیز که به دغدغه های کارگران افزوده شده اند در افزایش حوادث شغلی بی اثر نیستند. در واقع عامل پیدایش همه این ها نیز دولت و کارفرمایان هستند. متاسفانه تا این وضع بصورت کنونی ادامه داشته باشد انتظار نمی رود که بهبودی در این خصوص بوجود آید. این خود کارگران هستند که بایستی با متشکل شدن در سازمان های اتحادیه ای و مبارزه موثر و سازمان یافته از پایمال شدن حقوق، سلامت و منزلت شان جلوگیری کنند. اگر در بسیاری از کشورها وضعیت کارگران از این لحاظ ها بهتر است فقط و فقط به دلیل سازمان یافتگی و مبارزات خود کارگران است. در کشور خود ما نیز هرگاه کارگران سازمان یافته تر و



متشکل تر بوده و بیشتر برای حقوق شان تلاش و مبارزه کرده‌اند، موفق تر بوده‌اند. نخستین قانون کار ایران نتیجه مبارزات شدید و سازمان یافته کارگران بوده است. قانون کاری که در ۱۳۲۵ و در اوج شکوفایی جنبش سندیکایی بر خلاف میل دولتمردان و سرمایه‌داران و کمپانی انگلیسی نفت به تصویب رسید موید این واقعیت است. آن قانون که در سال ۱۳۲۷ پس از سرکوب شورای متحده مرکزی تعدیل شد نیز گویای این واقعیت است. قانون کار فعلی بمراتب عقب تر از قانون کار ۷۴ سال پیش است. زمان به جلو رفته است اما قانون کار ما ۸۰ سال یعنی هنگامی که محروم از قانون کار بودیم به عقب برگردانده شده زیرا این قانون بکلی از محتوا تهی شده و اساسا اجرا نمیشود. این پس روی فقط به دلیل ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری رژیم نیست. تقصیر پراکندگی و بی سازمانی خود ما کارگران و زحمت کشان هم هست. اصلا وجود یک همچنین رژیمی بخاطر سازمان نایافتگی و تفرقه خود ما کارگران است!



بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



سازماندهی "دیمی کاران" ۱: نگاهی از "جنوب" بخش دهم

ادوارد وبستر

سازمانیابی مبتنی بر منافع مشترک - ادامه



در دارالسلام، پایتخت تانزانیا، خصوصی سازی سیستم حمل و نقل عمومی موجب تکه تکه شدن کار موجود در سیستم پیچیده ای از صاحبان خرد، رانندگان و بلیت گیران شده است. آنهایی که صاحب اتوبوسی شده اند، شغل نسبتاً ثابتی دارند، اما دیگران ناگزیر به انجام هر کاری اند که پیدا می شود. راننده، شاگرد راننده و بلیط گیر، که "خویش فرما" یا "خود مستخدم" محسوب می شوند، باید روزانه هزینه اجاره اتوبوس را به صاحب آن و دیگر هزینه های اتوبوس را بپردازند، و اگر چیزی از عواید باقی ماند با هم شریک شوند. این سیستم به یک ساختار بازاری شامل هزاران واحد کاری متمیزه منجر شده است، که درگیر رقابتی فشرده و "خود استثماری" با یکدیگر اند. آنها در رقابت بر سر مسافر و برای آن که روزانه درآمد بیشتری داشته باشند، اتوبوسها را "مسافرچیان" می کنند و به سرعت می رانند.

کارگران برای غلبه بر این انشقاق انجمنی تشکیل دادند و با اتحادیه رسمی و جاافتاده کارگران حمل و نقل (اتحادیه کارگران حمل و نقل و مخابرات تانزانیا) دیدار داشتند. چنان که مائو ریزو، در کتابش که به این تجربه اختصاص دارد، می نویسد، این دیدار آغازگر روندی شد که طی آن، این دو نهاد مجزا به "بنای درک مشترکی از استثمار، چنان که کارگران حمل و نقل در دارالسلام با آن درگیر اند، و تنظیم استراتژی واحدی برای مواجهه با آن" دست زدند. استراتژی حاصل شامل سه وجه اصلی بود: اولاً دو نهاد واقعیتهای کارشان را به اشتراک گذاشتند، ثانیاً اتحادیه نامبرده ایجاد صندوق لازم برای سازماندهی را به عهده گرفت و ثالثاً خود آنها (دو نهاد) تعدادی کارگر حمل و نقل را استخدام کردند تا انجمن نامبرده را در سطح خیابان ترفیع دهند.

تنها پس از برقراری ارتباط با اتحادیه بود که انجمن توانست به وجود خود رسمیت بخشد، دامنه برنامه اش را گسترش دهد، و کارزاری را برای تحقق حقوق کارگران - پیش از همه، حق قرارداد - سازمان دهد و پیش ببرد. انجمن هم از ارتباطات سیاسی اتحادیه بهره برد و هم دست به تهدیدهای موردی دایر بر فلج کردن حمل و نقل شهری زد تا بر مقامات محلی و، در ابعاد وسیعتری، بر صاحبان اتوبوسها فشار آورد. با گسترش کارزار انجمن، و برای توقف دولت از جنائی قلمداد کردن تلاشهای شان، آنان با تعدادی از وزارتخانه های کشور نیز سروکار یافتند و با تعدادی از گروه های همفکر نیز وارد ائتلاف شدند.

اتحادیه سراسری کارگران صنایع نساجی، پوشاک و خیاطی نیجریه در فاصله سالهای ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ در اثر اعمال صرفه جوئی بسیار در صنایع نساجی ناشی از رقابت بین المللی، ۴۰ هزار نفر از اعضایش را از دست داد.



اتحادیه به منظور احیای مقام خود در جنبش کارگری دست به عضوگیری خیاطان مستقل بر پایه منافع مشترک بسیار ملموسی و معینی زد: نیاز به آب و برق ارزان، و مقررات گزاری بر واردات خارجی. اتحادیه همچنین دست به تغییراتی در ساختارهای تشکیلاتی اش زد، دوره های آموزشی مخصوصی را برای خیاطان مستقل برپا کرد، سمینارهایی را در باره مدیریت مالی، گرایشهای جدید در دنیای مد و ... ترتیب داد، و به مسائل این گروه از خیاطان رسیدگی کرد. اتحادیه همچنین به منظور ارتقاء حضور و مشارکت زنان در اتحادیه، آموزش و تربیت کادر در میان اعضای زن را امر مقدم خود دانست. متمم اساسنامه اتحادیه با هدف تأمین ۴۰ درصد نمایندگی زنان در تمام سطوح رهبری اتحادیه، زمینه حقوقی مشارکت و وسیعتر زنان را فراهم آورد.

در مقایسه با انجمنهای سنتی خیاطان مستقل، که فاقد نفوذ سیاسی بودند، این اقدامات اتحادیه گام بزرگی به سمت این گروه از خیاطان بود. نشان دادن کارت عضویت اتحادیه کافی بود که محسوساً از آزار و اذیت پلیس بکاهد. این اقدامات امکان جلب هزاران خیاط را در سراسر کشور برای انجمنهای خیاطان و اتحادیه نامبرده فراهم آورد.

سازماندهی محلی در صنایع جهانی

پیرامون اثرات جهانی شدن بر کارگران محلی مباحثات بسیاری انجام گرفته اند، اما گزارشهای بسیار کمی در باره مبارزه این کارگران با اثرات مورد نظر انتشار یافته اند. این در حالی است که اگر به اطراف مان دقت کنیم بسیاری از این مبارزات را خواهیم دید. نکته بسیار مهم دیدن این واقعیت است که چگونه اتحادیه ها با کوشش شان برای آن که کارگران غیررسمی را نیز نمایندگی کنند، خود دستخوش تغییر می شوند. آنها غالباً به سازمانهایی "التقاطی" با اشکال مختلف سازماندهی ارتقاء می یابند، و تمایز سنتی بین اتحادیه، انجمن کارگران غیررسمی و تعاونی کارگری تا حدودی محو می شود. درک این اشکال جدید سازمانی باید در مرکز هر کوششی باشد که در صدد فهم جنبش جهانی در حال ظهور کارگران است

۱. "دیمی کار" به جای کلمه precarious worker استفاده شده است. precarious در زبان انگلیسی به معنای نامطمئن، متزلزل، ناپایدار و ... است. منظور از precarious worker قشری از کارگران اند که وضع شان به لحاظ شغلی و معیشتی بسیار نامطمئن و ناپایدار است. به اعتبار عدم اطمینان در زراعت دیم، دیمی کار یا کارگر دیم می تواند رساننده معنا باشد.



سریناله با کیفیت، حتی بدیهی و همگانی است!



مهاجرین، سازماندهی و هژمونی گزینشی در منطقه آزاد اقتصادی جنوب شرق آسیا- مکنونگ بخش ۸

آرنولد، دنیس
مترجم: گودرز

نمونه کامبوج

بیمه تأمین اجتماعی که در قانون تأمین اجتماعی مصوب ۲۰۰۲ منظور شده است، قرار بود از سال ۲۰۱۵ اجرایی شود، اما یک سخنگوی سازمان بین المللی کار ILO در ژانویه ۲۰۱۵ اعلام کرد که مزایای این قانون هنوز مدون و تعیین نشده است. هیچ برنامه ایجاد اشتغال تحت حمایت دولتی در کشور پا نگرفته و یا برنامه حمایت از بیکاری نیز در کامبوج به اجرا گذاشته نشده است، اما در اندازه های کوچک برنامه های اعانه غذایی برای کار در روستاها وجود دارد. به طور خلاصه گزارش هنگ سور حاکی از آن است که به طور متوسط ۱۳۵\$ مبلغی است که کارگران از بیمه بیکاری دریافت می کنند، در مقام مقایسه با حداقل دستمزد که ۱۲۸\$ است.

در عین حالی که توافقات مهمی صورت گرفته است، این دستاوردها در پاسخگویی به نگرانی در باره فقر پایه - به جز حداقل دستمزد در صنایع پارچه بافی، کفش و پوشاک در منطقه پنوم پنه - هدف بزرگتر یعنی توسعه آن به کارگران در سایر مناطق از جمله باوت را از اجرای قانون مستثنی ساخته است. به طور خلاصه قوانین مورد بحث تأثیرات محدود کننده از نظر گسترش درخواستهای سیاسی به مناطق شهری را دارد که می توانست به جنبش اجتماعی وسیعی منتهی گردد.

تصویر از زنان کارگر در منطقه آزاد پنوم-بن-کامبوج



ضروریات هژمونیک گزینشی هستند

چرا که آنها فقط کارگران بخشهای رسمی شهری را شامل می شوند. یکی دیگر از نواقص این سیستم تأمینی این است که بازار کار را از منظر جغرافیایی و تحرک کارگران در نظر نمی گیرد. یک رهبر اتحادیه کارگری تعداد سالهای کار کارگران مشغول در صنایع تولید پوشاک را به طور متوسط پنج تا هفت سال برآورد می کند. بنابراین



طرح فوق اشتغال کامل برای این بخش را با افق انتظار یک کارگر در کامبوج تبیین ساخته و محاسبه می کند. با احتساب شرایط کاری یک بخش ویژه در پنوم پنه دولت توانسته است انتقاد از خود در مورد حمایت از کل کارگران را خنثی سازد، اما نمی تواند پاسخگوی وضعیتی باشد که ساختار فقر حول شرکت در بازار کار را به وجود آورده است. در عوض سعی دارد با عرضه سطح دستمزدهای نازل و کنترل مکانیزمهای بیمه اجتماعی راه حل را به گردن بازتولید اجتماعی از طریق اقتصاد محدود زراعی در روستاها بیاندازد.

نمونه های تایلند و مناطق مرزی میانمار(برمه)

برای بیش از دو دهه، مای سوت نمونه معروف مهاجرین کار و محل استقرار پناهندگان، و دریچه ای بسوی قوانین مهاجرت برای کار در تایلند بوده است. پناهندگان از برمه در کنار مرز تایلند زندگی می کنند و در حال حاضر بیش از دویست هزار نفر را شامل می شوند. علاوه بر این هزاران نفر از ساکنین برمه نیز برای کار به داخل تایلند وارد شده اند که تعدادشان از ده ها هزار نفر در دهه ۱۹۹۰ به نزدیک به سه میلیون نفر در حال حاضر افزایش یافته است. تغییر از پناهندگی به مهاجرت کارگری بیشتر از یک تحول خطی در تعداد است، و در مرکز تلاش برای دانستن جایگاه مهاجرین در سیاستهای انسانی است، روندی که در آن امنیت اجتماعی بیشتر از پیش نقش دارد.



معلم زندانی

کارگر زندانی

آزاد باید گردد!



فروش قسطی کالا به بازنشستگان نه کارگشا ست و نه بهبودی در قدرت خرید آنها ایجاد می کند

صادق



"محمد حسین صدر" مدیر عامل شرکت اطلاع رسان "داتک" اخیرا به بازنشستگان مژده داده است که خرید قسطی برای بازنشستگان تامین اجتماعی را ممکن کرده است و آنها می توانند از این به بعد "بسیاری" از مایحتاج شان شان را با مراجعه به فروشگاه های طرف قرارداد بصورت قسطی تهیه کنند!

به عقیده این مدیر مسئول در اداره کل روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی طرح مذکور "گشایش فراوانی برای بازنشستگان" ایجاد خواهد کرد. جناب مدیر در ادامه حرف هایش از مستمری بگیران خواست: " برای تهیه کالاهای سوپرمارکتی خود، به فروشگاه های زنجیره ای طرف قرارداد در سراسر کشور مراجعه کنند". یعنی در واقع آقای مدیر هم اطلاع دارد که حقوق های بازنشستگان تامین اجتماعی آنقدر ناچیز است که آنها نمی توانند با این حقوق حتی مایحتاج لبنی شان را از سوپر مارکتها خرید کنند!

"وی با بیان اینکه دریافت این خدمات، گشایش فراوانی را در زندگی مستمری بگیران ایجاد خواهد کرد، گفت: بازنشستگان می توانند برای تهیه کالاهای سوپرمارکتی خود، به فروشگاه های زنجیره ای طرف قرارداد در سراسر کشور مراجعه کنند.

خبرگزاری ایلنا که به نقل از آقای صدر خبر این ابتکار بدیع و "کارگشا"ی را منتشر کرد نوشت: " صدر افزود: بازنشستگان این طرح، غیر از خرید کالاهای سوپر مارکتی، مشمول دریافت خدمات دیگری از جمله؛ دندانپزشکی، گردشگری، کالای دیجیتال، لوازم خانگی، عینک و لنز و پوشاک نیز می شوند."

این یعنی اینکه بازنشستگان برای همه نیازهای اولیه شان باید بروند آنها را قسطی از فروشگاه های معینی که طرف قرارداد تامین اجتماعی هستند خریداری کنند و احتمالا بهره ای هم بابت اقساط آن به هزینه های شان افزوده خواهد شد. خبرنگار ایلنا که این گزارش را نقل نموده به صرافت نیفتاده که از این مدیر کل نجومی بگیر و شکم سیر که حقوق اش را از صندوق کارگران و بازنشستگان می گیرد بپرسد: پدر بیامرز کسی که آنقدر حقوق اش کم است که



نمی تواند شیر و تخم مرغ مورد نیاز روزانه اش را بصورت نقدی تهیه کند، برایش چه فرق می کند که آنها را به او نقد بفروشند یا نسیه؟ و اگر بخشی از حقوق بازنشستگی اش را با این ابتکار پیشخور کند چگونه می تواند با بقیه حقوقی که برایش باقی می ماند امورات زندگی اش را که هنوز وام نگرفته هم کمیت اش لنگ است سال بعد بگذراند؟ بالاخره مگر نه این است که سرمایه بدهی شان را از حقوق شان کم می کنند! البته جناب مدیر از روی نادانی نیست که چنین طرح بدیع و "کارگشا"یی را تهیه و پیشنهاد فرموده اند. غرض فرستادن بازنشستگان دنبال خود سیاه اجناس قسطی است تا بلکه برای مدتی هم که شده آنها را سرگرم کند و لختی دست از اعتراض برای افزایش حقوق بازنشستگی شان بردارند.

با این همه این ترفند نمی تواند موجب فریب بازنشستگان فهیم و حق طلب و دست برداشتن آنها از حق خواهی شود. بر عکس آنها را به این فکر می اندازد تا اعتراضات شان را گسترش دهند. تصمیم سازمان های بازنشستگان برای برگزاری تجمع در هفته آینده پاسخ بازنشستگان به طرح های این چنینی است. بازنشستگان نباید فراموش کنند که ادامه غارت دارایی های تامین اجتماعی توسط دولت و پرداخت نکردن بدهی های کلان دولت به تامین اجتماعی و همچنین پرداخت نکردن حق بیمه کارگران شاغل توسط کارفرمایان صندوق تامین اجتماعی را به افلاس می کشاند و تاوان آن را هم اکنون کارگران و بازنشستگان دارند پس می دهند. بهمین جهت مبارزه علیه غارتگران صندوق تامین اجتماعی درست به اندازه مبارزه جهت افزایش حقوق های بازنشستگی اهمیت و رابطه ی جدایی ناپذیر دارند. هم از این روی لازم است این مسئله نیز در مبارزات بازنشستگان و شاغلین جای شایسته خودش را پیدا کند. افزایش حقوق های بازنشستگی بدون توقف غارت سازمان تامین اجتماعی و خارج کردن مدیریت صندوق از دست دولت اگر ممکن نباشد بسیار دشوار می نماید.



خصوصی سازی را متوقف کنید!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



ادامه اعتصابات کارگران پالایشگاه ها و پتروشیمی ها، موقعیت نسبی کارگران کنتورسازی در اثر اعتراضات، تجمع دگر باره معلمان حق التدریسی مقابل آموزش و پرورش، تجمع کارگران پیمانی و طرحی آبفای روستایی خوزستان، اعتصاب کارگران مخابرات در نیشابور، اعتراض کارکنان آتش نشانی در آبادان، کشته شدن ۴ کولبر دیگر در کردستان، ۲۰ روزه شدن اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده در زندان مهمترین رویدادهای کارگری گزارش شده هفته بودند. با این حال باید توجه داشت که ابعاد اعتراضات و نارضایتی ها در میان کارگران و مزدبگیران بسیار گسترده تر از آنهایی است که بصورت ناقص و با بکارگیری کلمات و عناوین گمراه کننده در برخی رسانه های داخل منتشر می شوند.

سانسور کامل اخبار اعتصابات وسیع صنایع نفتی در رسانه های داخل کشور و سکوت مطلق رهبران سرسپرده تشکلهای خوار و ذلیل حکومتی در مورد آنها به روشنی حاکی از گسترده بودن و نگرانی از گسترده تر شدن دامنه اعتصابات و درماندگی رژیم در مقابل آنها دارند.

تداوم اعتصابات کارگران پالایشگاه ها و پتروشیمی ها در مناطق جنوبی کشور

اعتصاب هزاران کارگر شاغل در صنایع نفت و چند نیروگاه برق که از چهار هفته پیش بطور همزمان علیه کار پیمانی و شرکتهای پیمانکار و دلال در صنایع نفتی شروع شد در این هفته نیز به رغم عقب نشینی هایی از جانب صاحبان شرکتهای پیمانکار ادامه یافت. کارفرمایان و دولت که انتظار یک چنین حرکت اعتراضی نیرومند و هماهنگی را نداشتند و از مقاومت کارگران شگفت زده شده اند در این هفته نیز سعی کردند با دادن امتیازاتی که با مطالبات اعتصابیون فاصله زیادی دارند به اعتصاب آنها خاتمه دهند که تا کنون موفق نشده اند.

خواست اصلی کارگران در این اعتصاب لغو کار پیمانی و استخدام رسمی توسط شرکت های مادر است که پیمانکاران نقش واسطه بین آنها و کارگران را دارند و پول هنگفتی از این بابت به جیب می زنند. پولی که در اثر استثمار مضاعف کارگران و زیر پا نهادن حقوق سندیکایی کارگران شاغل در پیمانکاری ها به دست می آورند.



ادامه اعتصاب در بخش های از هفت تپه

اعتصاب کارگران در بخش های از هفت تپه نیز در این هفته تداوم و وارد هشتمین روز شد. کارگران اعتصابی به رغم تعلیق موقت و مشروط اعتصاب در بخش های از مجتمع که به دلیل فصل کشت و دادن فرصت به مسئولین دولتی برای به عمل درآوردن مطالبات شان انجام دادند بر ادامه مبارزه تا رسیدن به حق و حقوق و خواسته های شان تاکید دارند. در همین حال جنگ جناح های حکومتی بر سر تسلط بر مجتمع هفت تپه نیز همچنان ادامه دارند. در یک مورد از افشاگرها که در تویتز بین احمد نادری یکی از نمایندگان مجلس و حسام الدین آشنا مشاور روحانی مطرح شد، احمد نادری خطاب به حسام الدین آشنا که مانند جهانگیری از مالک اختلاسگر هفت تپه حمایت می کند نوشت: " چرا از همکاران امنیتی سابقان نمی پرسید که چگونه این خصوصی سازی رقم خورد؟ چگونه ابرمتهم ارزی در دولت شما یک میلیارد و چهارصد میلیون دلار ارز دریافت می کند و آن را به ریال تبدیل می کند و تنها با بخشی از پول آن که حدود شش میلیارد تومان! است، بیش از ۲۵ هزارهکتار زمین و کارخانه هفت تپه را می خرد؟ ". اظهارات این نماینده به وضوح حاکی از اختلاس بزرگی است که در جریان واگذاری هفت تپه صورت پذیرفته است و تائیدی است بر حقانیت مبارزه کارگران علیه خصوصی سازی. با این وجود طرفداران دولت همچنان از مالک رانتخوار و اختلاسگر هفت تپه و از این واگذاری غارتگرانه حمایت می کنند! اختلاف این نماینده نیز در واقع نه بخاطر مخالفت با اصل خصوصی سازی و غارتهای انجام شده تحت پوشش خصوصی سازی، بلکه بر سر درآوردن این لقمه گلوگیر با سئواستفاده از اعتصاب کارگران از دهان رقیب است!

اعتراض کارگران کنتور سازی "نوبخت" را وادار به عقب نشینی کرد

جمعه گذشته خبر محاصره "نوبخت" هنگام سفر به قزوین توسط کارگران کنتور سازی را که خصوصی شده و پس از خصوصی شدن با بحران مواجه شده را منتشر کردیم. در این هفته مطلع شدیم که نوبخت سرانجام در پی اعتراضات دامنه دار کارگران مجبور به عقب نشینی شد و بودجه ای را برای پرداخت معوقات مزدی کارگران این کارخانه اختصاص داده است. رئیس شورای اسلامی کار نیز بخاطر پرداخت دیون کارگران از نوبخت تشکر نموده که معلوم نیست پرداخت دیون پس از آن همه معطلی و اعتراض دیگر چه جایی جهت تشکر دارد؟ اما در عوض کارگران گفته اند خواسته آنها فراتر از پرداخت دستمزدها بوده است. خبرگزاری ایلنا به نقل از کارگران نوشت: "کارگران کنتور سازی که اعتبار برای پرداخت معوقات مزدی آنها در نظر گرفته شده، می گویند: مهمترین مطالبه ما خلع ید سهامداران و بازگشت مجتمع به دولت است".

تجمع دگرباره معلمان حق التدریسی مقابل آموزش و پرورش

در ۱۱ شهریور بار دیگر معلمان حق التدریسی با برپایی یک تجمع اعتراضی در مقابل آموزش و پرورش خواستار استخدام رسمی توسط این اداره شدند. معلمان که از خلف وعده های پیاپی گذشته مسئولین به خشم آمده بودند و اعتباری برای قول و قرارهای مسئولین آموزش و پرورش قائل نیستند، در جریان تجمع شان شعارهای علیه خلف وعده های مسئولین دولتی دادند و از جمله در یکی از شعارها دولت را دروغگو خواندند.

تجمع کارگران پیمانی و طرحی آبفای روستایی خوزستان

به گزارش خبرنگار ایلنا، کارگران طرحی و پیمانی شبکه آب و فاضلاب روستایی استان خوزستان درحالی که پارچه نوشته ای خطاب به مدیرعامل آب و فاضلاب استان همراه داشتند، صبح چهارشنبه (۱۳ شهریور ماه) به پرداخت نشدن دست کم شش ماه حقوق، عیدی و پاداش سنوات خود معترض شدند. بنا به همین گزارش یکی از دلایل اعتراض کارگران پرداخت نشدن حق بیمه و بیمه تکمیلی کارگران است که هزینه درمانی و دارویی زیادی را به آنها تحمیل نموده است. شایان ذکر است که پرداخت نکردن حق بیمه غیر قانونی است. با این حال مسئولین ادارات کار کارفرمایان متخلف را تحت پیگرد قانونی قرار نمی دهند و این خود باعث سئواستفاده بسیاری از کارفرمایان بخش خصوصی و افزایش هزینه های زندگی زحمتکشان شده است.



اعتصاب کارگران مخابرات در نیشابور

کارگران پیمانی شرکت مخابرات نیشابور از روز دوشنبه ۱۱ شهریور در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزد و قرارداد کاری اقدام به اعتصاب نمودند. به گزارش ایلنا که خبر این اعتصاب را منتشر نمود، خواسته‌های کارگران اعتصابی، پرداخت دستمزد معوقه، رفع تبعیض و انعقاد قرارداد مستقیم شرکت مخابرات با کارگران بجای قراردادهای تحمیلی و تبعیض آمیز شرکت پیمانکار است. آنگونه که از گزارش برمی آید مراجعات پیشین کارگران به اداره کار برای رسیدگی به مشکلات شان بی نتیجه بوده‌اند. البته در موارد اعتراضی مشابه نیز ادارات کار یا جانب کارفرمایان را گرفته‌اند و یا اقدامی برای دفاع از حقوق کارگران که از وظایف اصلی آنهاست نکرده‌اند.

آتش نشانان آبادانی نیز به جمع معترضین پیوستند

آتش نشانان آبادانی بنا به نوشته خبرگزاری ایلنا نسبت به وضعیت شغلی و مزدی شان به اعتراض برخاسته‌اند، "ایلنا" از قول آتش نشانان معترض نوشت: "آتش نشان‌های شهر آبادان خواستار برآورده شدن مطالبات صنفی خود در زمینه حقوق دستمزد، بیمه و لباس کار شدند....". بطوری که در گزارش آمده یکی از دلایل اعتراض آتش نشانان آبادانی رد نکرد دستمزد واقعی آنها در لیست بیمه های شان است که در واقع یک تقلب آشکار و رایج است و حاکی از همدستی میان دفاتر سازمان تامین اجتماعی با کارفرمایان است.

شایان ذکر است که این تقلب باعث از دست رفتن بخش قابل توجهی از حقوق کارگران در طول سالهای کاری، هنگام اخراج و در دوران بازنشستگی می شود. یکی از دلایل اینکه حقوق اکثریت بازنشستگان در دوران بازنشستگی بسیار ناچیز است وجود همین تقلب آشکار است. تامین اجتماعی بجای اینکه با این تقلب و حق کشتی مخالفت کند، خودش در آن همدستی می کند تا در زمان بازنشستگی مستمری کمتری بدهد. این روش که البته بخشا هم با انگیزه رشوه گیری از کارفرمایان اعمال می شود در تضعیف بنیه مالی سازمان تامین اجتماعی و راندن بازنشستگان به زیر خط فقر نقش مخربی داشته و دارد. از همین روی کارگران نباید به آن تن در دهند و لازم است مانند آتش نشانان حق طلب با این تقلب که آینده شان را تهدید می کند مبارزه پیگیر نمایند

کشته شدن ۴ کولبر دیگر در کردستان

کشتار سفاکانه کولبران زحمتکش در مناطق مرزی همچنان ادامه دارد.

بنا به گزارش سازمان حقوق بشری "هنگاو" دست کم چهار کولبر در مرزهای سردشت و پیرانشهر با شلیک مستقیم نیروهای سپاه پاسداران و نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی ایران کشته شده‌اند. زانست حسن‌نژاد، ۲۵ ساله، زانکو احمدی، ۲۲ ساله و سروش ملکاری، کولبرانی هستند که در صبح ۱۲ شهریور در مرز «زیوه» پیرانشهر کشته شده‌اند. کشتار کولبران فقرزده و بیکار در حالی ادامه دارد که کردستان یکی از مناطقی است که بیشترین شمار بیکاران را دارند. و بیکاران هیچ امکان دیگری به غیر از انجام کار پرنج و توانفرسای و خطرناک کولبری برای فرار از گرسنگی ندارند. یکی از راه های مبارزه موثر با جنایت کولبرکشی اعتراض دسته جمعی مردم در شهرهای مختلف به ویژه در شهرهای کردستان و اعتراضات بیکاران علیه بیکاری با شعار یاکار یا حقوق بیکاری در مقابل مراکز نهادهای حکومتی است! تنها در پرتو اعتراضات گسترده است که می شود مانع ادامه این جنایات تبهکارانه شد.

۱۹. روز از اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده رهبر اتحادیه آزاد کارگران گذشت



اعتصاب غذای جعفر عظیم زاده رهبر زندانی اتحادیه آزاد کارگری که از ۱۹ روز پیش شروع شد همچنان ادامه دارد. جعفر عظیم زاد که در اعتراض با وضعیت بد حاکم بر زندانها، نداشتن امنیت جانی و عدم رسیدگی پزشکی بعد از ابتلا به بیماری کووید ۱۹ مبادرت به اعتصاب غذا نمود در وضعیت دشواری در سلول انفرادی محروم از ملاقات و هر نوع امکان ارتباطی با خارج از سلول بسر می برد. زندانبانان در تلاشند با وارد کردن فشار مضاعف به این فعال سندیکایی که به دلیل فعالیت های صنفی و دفاع از حقوق کارگران به ناروا محکوم شده است از فعالین و مبارزین پیگیر حقوق زحمتکش زهر چشم و انتقام بگیرند. با این همه با به زندان افتادن هر فعال کارگری چند تن دیگر جای وی را پر می کنند و مبارزات را ادامه می دهند. ما به جد نگران وضعیت سلامتی آقای عظیم زاده هستیم. بهمین جهت از همه هم میهنان آزاده و عدالتخواه بویژه کارگران درخواست می کنیم به هر وسیله که می توانند به زندانبانان برای آزادی جعفر عظیم زاده و دیگر زندانیان کارگری، مدنی و سیاسی فشار بیاورند. فشار قطعا موثر واقع خواهد شد.

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر**

بینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی دستان و آسیب دیدگان کرونا را تامین کند!